



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مکتوبی از

ابوالفضل گلیایگانی

در باب معاد و مباحثه وی

با حکیم جلوه

فاطمه نورایی نژاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مکتوبی از ابوالفضل گلپایگانی در باب معاد و مباحثه وی با حکیم جلوه

نویسنده:

فاطمه نورایی نژاد

ناشر چاپی:

فصلنامه مطالعات تاریخی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مکتوبی از ابوالفضل گلپایگانی در باب معاد و مباحثه وی با حکیم جلوه
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	حکیم میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی
۸	مسلک بهایی گری
۱۰	پاورقی
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مکتوبی از ابوالفضل گلپایگانی در باب معاد و مباحثه وی با حکیم جلوه

مشخصات کتاب

مؤلف: فاطمه نورایی نژاد

فصلنامه مطالعات تاریخی / ویژه نامه بهائیت / سال ۴ / شماره ۱۷ / ۱۳۸۶

بر گرفته از:

مقدمه

پس از انتقال پایتخت ایران به تهران در دوره قاجار، به تدریج و با ساخت مساجد و مدارس و مهاجرت برخی علما، این شهر مرکزیتی فرهنگی و فکری یافت. به خواست مؤسس مدرسه مروی [۱]، فتحعلیشاه قاجار از حکیم ملا-علی نوری [۲] یکی از بزرگ‌ترین استادان مکتب فلسفی اصفهان برای تدریس دعوت نمود. او به سبب کهولت سن و فزونی طلاب، به جای خویش یکی از مجرب‌ترین شاگردانش یعنی ملا عبدالله مدرس زنوزی [۳] را روانه تهران کرد. بدین ترتیب از ۱۲۳۷ ق حوزه حکمی و فلسفی تهران نه تنها وارث مکتب فلسفی اصفهان گردید بلکه به دلایلی چند به عنوان حوزه مستقلی در تاریخ فلسفه اسلامی به شمار آمد. [۴] در این زمان علاوه بر آنکه به خاطر توجه خاص شاه قاجار به ملا عبدالله زنوزی، فلسفه در صورت و در معنا رو به پیشرفت نهاد، شاگردانی نیز تربیت می‌شدند که هم سعی در مطالعه فلسفه صدرایی با شیوه‌ای نو داشتند و هم به مرور و با ورود علوم جدید [۵] اقدام به دفاع از فلسفه و الهیات اسلامی و تصحیح کتاب‌شناسی کتب درسی قدیم فلسفه می‌نمودند. [۶]. این روند با هجرت حکمای اربعه، آقای محمدرضا قمشه‌ای [۷]، آقا علی حکیم مدرس زنوزی [۸]، آقا میرزا سید ابوالحسن جلوه و آقا میرزا حسین سبزواری [۹] از اصفهان و سبزواری به تهران تثبیت شد [۱۰] و چنان رونقی به حوزه فلسفی و عرفانی تهران بخشید که علاقه‌مندان به حکمت برای بهره‌مندی از علوم عقلی و شرح و تفسیر اندیشه‌های ابن‌سینا و ملاصدرا به شیوه‌ای پویا و مستعد گفتگو با [صفحه ۲۷۴] اندیشه‌های جدید، از اطراف و اکناف به این حوزه روی آوردند. مکتب تهران در واقع استمرار مکتب فلسفه اصفهان و سنت فلسفی اسلامی است که در عین حال میزبان تفکر غربی نیز به شمار می‌آید و افزون بر آن در طول برقراری این حوزه متون فلسفی علاوه بر زبان عربی به زبان فارسی به نگارش در آمد. [۱۱]. هم‌زمان با این ایام که کانونهای فرهنگ سنتی اسلامی در حال تربیت شاگردانی بودند که در عین آمادگی برای پذیرش و تأمل در باب ایده‌های نو، ارائه‌کننده تفاسیر عمیقی از آن فرهنگ به شمار می‌آمدند و حوزه‌های علوم فقهی و اصولی نیز به عنوان مراکز ثقل علوم اسلامی به تربیت مجتهدان و فقهای متعدد می‌پرداختند، بنا به دلایل متعدد فرهنگی و سیاسی، فرقه جدید «بابیه» در ایران اسلامی پدید آمد و بزودی گروهی از مسلمانان را از کیش خود دور کرد و تا جایی پیش رفت که از دست مؤسسان اولیه ایرانی تبارش هم خارج شد و سر از امریکا و انگلستان درآورد و سرانجام در اسرائیل وطن گزید. [۱۲] البته گلایه در این مورد شاید تنها متوجه استعمارگران طمعکار بیگانه نباشد و ضعف مدیریت سیاسی و فرهنگی در آن مقطع از تاریخ کشور - غیر از اقدامات قاطعانه امیرکبیر علیه بهائیت - را باید مدنظر قرار داد؛ ولی به هر تقدیر این میهمان ناخوانده برای فریب دادن عوام و توجیه مبانی دروغینش، دقیقاً همان مسیری را طی کرد که خوشایند سیاستهای تفرقه‌انگیز بیگانگان بود. داعیان ساده‌لوح و نفس‌پرور این فرقه از هرگونه هتاک‌های آشکار و پنهان نسبت به فقه و فلسفه اسلامی کوتاهی نمودند و با ایجاد رخنه در مبادی عبادات ظاهری و تشکیک در مبانی فکری و فقهی شریعت محمد (ص) به عنوان ابزار مناسبی در دست دول استعماری به اغتشاش و ناآرامی در این سرزمین دامن زدند. ولی ضمیر روشن ایرانی چنین آلودگی‌هایی را بر نمی‌تابید. [۱۳] علاوه بر درک صحیح عموم شیعیان که به حراست دل و کیان «مشرقی» سرزمین خویش اهتمام داشتند، علما و حکیمان شیعه

نیز با تربیت شاگردان و نگاشتن آثار به روشنگری و مقابله با چنین اوهام بی‌اساسی می‌پرداختند. در عصر ناصری با ورود آثار و تألیفات جدید و سفر طالبان علوم به مغرب زمین، تحولاتی نیز در زمینه علوم حکمی پدید آمد و اندیشمندان ایرانی در حال نقد و تفسیر آرای سنتی و جدید علوم عقلی یا سایر علوم به سر می‌بردند. به عنوان مثال بدایع الحکم، نگاشته آقا علی مدرس زنوزی را می‌توان از مهم‌ترین آثار مکتب حکمت متعالیه پس از اسفار ملاصدرا - آن هم به زبان فارسی - دانست که به دلیل طرح فلسفه سنتی اسلامی در کنار فلسفه غربی (عمدتاً کانتی) اولین متن تطبیقی فلسفه سنتی اسلامی به شمار می‌آید. مدرس زنوزی ضمن نگاهی جدید به مبانی فلسفه صدرایی، مسائلی همچون معاد جسمانی، معرفت و حرکت جوهری را توسعه بخشیده است و بر آن بوده که به هفت پرسش فلسفی بدیع الملک میرزا - شاهزاده قاجار - پاسخ گوید؛ پرسشهایی که [صفحه ۲۷۵] از طریق مطالعه آثار فلسفی اروپایی برای وی مطرح شده بود. آقای علی مدرس زنوزی با توجه به نظریات ملاصدرا در باب معاد یا بقای پس از مرگ انسان، می‌کوشید تا معاد جسمانی را همان‌گونه که در شریعت اسلام مورد توجه است با طریق برهانی و عقلی توجیه و اثبات نماید و در این مسیر از آشنایی و تأمل نسبت به تفکر جدید فلسفی در اروپا نیز برکنار نبوده است. [۱۴]. حکیم جلوه اصفهانی نیز یکی از حکمای اربعه و از استادان مبرز است که علاوه بر توجه به تفسیر فلسفه سنتی اسلامی، به عنوان متفکری اهل گفتگو نیز شهره گشت و هم به سبب این اشتهاورد عتاب و عناد تحجر پیشه‌گان بهایی واقع شد. در اینجا با بررسی برگهایی از تاریخ معاصر ایران، به تأمل پیرامون اسنادی می‌پردازیم که به ملاقات یکی از بهاییان و این حکیم بزرگ اشاره دارد.

حکیم میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی

حکیم میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی به سال ۱۲۳۸ ق در گجرات در خاندانی اهل علم و فرهنگ به دنیا آمد. وی از نوادگان رفیع‌الدین طباطبایی مشهور به میرزا رفیع است. [۱۵] پدرش سید محمد مظهر از اطبا و ادبای عصر قاجار بود. این خاندان با هجوم افغانه در اواخر عصر صفویه به اصفهان، راهی زواره شدند. مظهر که برای تکمیل فن طبابت به هندوستان سفر کرده بود به دعوت برادر فاضل و دانایش همراه با خانواده راهی اصفهان شد. چون اغلب نزدیکانش در اردستان و زواره سکونت داشتند، خانواده جلوه نیز گاهی در زواره و گاه در اصفهان توطن می‌نمودند. [۱۶]. چهارده ساله بود که پدرش را از دست داد و با شنیدن احوالات خاندان علم‌پرور، در ابوالحسن شوق تحصیل پدید آمد. [۱۷] در حالی که اسباب سفر چندان مهیا نبود راهی اصفهان شد و در حجره‌ای از مدرسه کاسه‌گران [۱۸] اقامت نمود و نزد میرزا حسن حکیم به فراگیری علوم الهی پرداخت. او خود در این باره می‌گوید: «چون فطرتها در میان علوم مختلف است، خاطر من میل به علوم عقلیه کرد و در تحصیل علوم معقول از الهی و طبیعی و ریاضی اوقات صرف نمودم.» [۱۹] جلوه در ادبیات و شعر نیز دستی داشت. از این رو به دوستی شعرا و صاحبان ذوق متمایل گردید: «اول جوانی... صحبت ادبا و شعرا و ظرفا را خوش داشتم و گاه گاه [صفحه ۲۷۶] شعری می‌گفتم... دانستم که شعر خوب گفتن لازمه ایام شباب است و این گونه معاشرتها مانع همه چیز است خاصه تحصیل...» [۲۰] پس به جد تحصیل معقول را ادامه داد و ضمناً شاگردانی نیز داشت: «مشغول مطالعه و مباحثه شدم و آنی نیاسودم و اتفاق چنان افتاد که اکثر طلاب دقیق و با فهم با من در این کار مراد می‌کردند.» وی پس از استفاده از محضر آخوند ملا علی نوری و میرزا حسن نوری [۲۱] و استادان دیگری چون ملا محمد جعفر لنگرودی [۲۲]، آقا میرزا حسن چینی [۲۳]، ملا عبدالجواد تونی خراسانی [۲۴]، و سید رضی لاریجانی [۲۵] در اصفهان، برای تدریس به تهران آمد و در مدرسه دارالشفای [۲۶] ساکن شد. ظاهراً این تصمیم «به جهت تنگدستی و اصرار در عیبجویی و متعرض شدن مردمان بدون جهت به یکدیگر و واجب الاطاعه دانستن بعضی خود را» بوده است. [۲۷] البته جلوه حکمتش را تنها مدیون استادانش نبود بلکه علاقه وافر به تفحص در آثار قدمای فلسفه و قضایای برهانی داشت و علاوه بر آن به تزکیه و تهذیب نفس توجه خاصی مبذول می‌نمود. این استاد فرزانه مدت ۴۱ سال در تهران توقف نمود و غالب عمرش را صرف

مباحثه و مطالعه کرد. وی در حجره بزرگش در حالی که لباسی راحت بر تن می کرد به تدریس طلابی می پرداخت که از نقاط مختلف ایران در محضرش حاضر می شدند. [۲۸]. حکیم جلوه در اظهارات علمی خود بر سبیل متانت و تدبیر کلام بود و همین امر نه تنها او را از طعن فقها و سایر علما در امان می داشت بلکه مجتهدان بزرگ و رجال و حتی عامه مردم نیز او را تکریم و احترام می کردند. [۲۹] غلامحسین خان افضل الملک از کسانی است که [صفحه ۲۷۷] در مجلس درس او حاضر می شد. وی می گوید: «در دوره ناصری که هزار حکیم و فیلسوف در تهران بود، سه استاد کامل داشتند؛ یکی مرحوم آقا محمدرضای قمشه، یکی مرحوم آقا علی و یکی مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه. آن دو تن از همان دوره ناصری به سفر بقا رحلت کردند و اشاعه علوم عقلیه منحصر به مجلس درس میرزا ابوالحسن جلوه شد. جلوه به طمأنینه، وقار و حلم سلوک کرده بر کلمات قوم خبیر و بصیر آگاه و محیط بود و برهان جمیع فلاسفه را به اصل عبارت آنها بیان می کرد و از خود به هیچ وجه اظهار رأی نداشت. [۳۰]. جلوه در تهران به عنوان مدرس والا مرتبه آثار بوعلی و فلسفه مشاء شهره گشت. وی در تدریس هر کتابی، ضمن تصحیح متن، روان سازی اقوال مخالف و موافق در باب مؤلف را بیان می کرد بویژه در تدریس اسفار ملاصدرا که گویا آن را تدوینی از جانب شاگردان صدرا می دانست، می کوشید تا اقوال علما در اسفار را حتما بدانها بازگرداند. [۳۱]. در عین حال جلوه نظری ویژه به برهانی کردن مباحث عرفانی داشت که از این جهت شاید بتوان وی را بسیار نزدیک به مسلک اشراق دانست. بیتی از دیوان اشعار او مؤید این مطلب است: عقل کالای نفیسی ست به بازار جهان ما ز عشق آتش سوزنده به کالا زده ایم [۳۲]. او در مسیر رهایی از قیود شبهه و تردید، اقامت در آستان ابواب علم یعنی اهل بیت علیهم السلام را عزم جدی خود می دانست. [۳۳] نشانه اش، تربیت شاگردانی متعدد از قبیل حکیمی و عارف معاصر آیت الله محمدعلی شاه آبادی، میرزا طاهر تنکابنی، سید حسین حکیم بادکوبه ای، میر سید شهاب الدین نیریزی، شیخ عبدالنبی نوری، سید موسی زرآباد قزوینی، میرزا حسین خان وثوق، حکیم میرزا مهدی آشتیانی و برخی دیگر از استادان متأخر مکتب فلسفی تهران [۳۴] است. آثار و برکات حکیم جلوه در گستره ی تألیفات و تعلیقات فارسی و عربی وی نیز جاری است. از جمله آثار و تألیفات ایشان می توان به انتزاع مفهوم واحد، حاشیه بر مبدأ و معاد ملاصدرا، حاشیه بر شفای بوعلی سینا، حاشیه بر شرح المخلص چغمینی، اثبات حرکت جوهری، رساله فی بیان حادث و قدیم، دیوان اشعار و رساله در بیان استجاب دعا اشاره نمود. او که در اواخر زمان خویش اولین مدرس علوم فلسفی عصر در ایران محسوب می شد تا سال ۱۳۰۴ که چشم از جهان فروبست همچنان به تألیف و تفکر و تربیت شاگردان می پرداخت. [۳۵].

مسلک بهایی گری

چندی پس از اقدام مدبرانه امیرکبیر در اعدام سید علی محمد شیرازی یا باب که ادعای بابیت، مهدویت، نبوت و سپس الوهیت نموده، موجب پیدایش آشوبهایی در میان مسلمانان [صفحه ۲۷۸] نقاط مختلف ایران شده بود و نیز بعد از تصمیم گیری تعدادی از بایبان در انتقام کشی از شاه قاجار و ناکامی آنان در این زمینه، ناصرالدین شاه در صدد دستگیری و نابودی آنان برآمد. [۳۶]. از جمله کسانی که تحت تعقیب قرار گرفت حسینعلی نوری یا بهاء الله بود. وی ابتدا به سفارت روسیه پناهنده شد و با تدبیر همانها به همراه برادر خود میرزا یحیی (صبح ازل) به عراق تبعید شد. [۳۷] در عراق نیز اندیشه های فتنه انگیز پیروان باب مورد توجه دول استعماری دیگری واقع شد. از آنجا که باب در وصیت نامه خود صبح ازل را جانشین خود معرفی کرده بود، اختلافاتی میان دو برادر (میرزا یحیی و حسینعلی) پدید آمد که در نتیجه آن بهاء الله برادر را مرتد خواند. ادامه منازعات سخت آنها [۳۸] به تبعید حسینعلی از عثمانی به یکی از شهرهای فلسطین [۳۹] و میرزا یحیی به قبرس منجر شد. پس از چندی حسینعلی که ادعای مهدویت داشت، مدعی شد که وی رجعتی چون رجعت مسیح نموده این معنا را به اطلاع پاپ نیز رسانید و او را از اعتراض برحذر داشت. ولی ادعاهای وی به همین جا ختم نشد، و ادعا کرد که خدا در وی حلول کرده، اساسا او خود، خداست «انا الهیکل الاعلی». [۴۰].

بهاء‌الله که ادعای ربوبیت و الوهیت کرده بود در ۱۳۰۹ ق به مرض اسهال خونی درگذشت و پس از وی فرزندش عباس افندی ملقب به «عبدالبهاء» بر جای او نشست. در ایران و عثمانی برای عبدالبهاء مجالی برای تبلیغ نبود، پس به اروپا و امریکا سفر کرد و از جانب آن دولتها با استقبال مواجه گردید. [۴۱]. پس از مرگ عبدالبهاء نیز با حمایت این دوستان و هم پیمانان، عده‌ای رهبری بهاییان را برعهده می‌گرفتند تا اینکه بهاییان ساکن در فلسطین اشغالی و دیگر کشورهای همسایه، گروهی نه نفره را مسئول بیت‌العدل در حیفا اسرائیل کردند. [۴۲]. این مرکز سمبلی شد برای همکاری جهانی یهودیت و بهائیت علیه منافع ملت‌های اسلامی، از آنجا که درونمایه ادعاهای این فرقه، «نسخ شریعت اسلام و برداشتن جهاد و دفاع و نیز زمینه‌های هم‌زیستی با یهودیان» بود، یهودیان کوشیدند که بهاء‌الله و عبدالبهاء را مظهر پیروزی یهود و مصداقی از پیش‌گویی عهد قدیم در مورد تجلی نور الهی در جهان هستی قرار دهند؛ [۴۳]. که البته این ایده بیش از همه مورد توجه مؤسسات مسیحی و صهیونیستی قرار گرفت. یکی از نویسندگان بهایی به نام ابوالفضل جرفاذقانی یا گلپایگانی در نوشتجات متعدّدش در زمینه معاد و رجعت و قیامت و حشر و تناسخ، توجهی ویژه به عبارات ادیان دیگر بویژه دین یهود داشته این گونه بهره‌گیری از التقاط و همه‌شمولی را مزیت دانسته است. [۴۴].

به طور کلی مفهوم قیامت، بهشت و جهنم، برزخ و بعث از دید این فرقه با مسلمین تفاوت [صفحه ۲۷۹] دارد. آنها معتقدند جنت تصدیق باب و نار نفی ظهور اوست. این فرقه ضمن انکار توحید نبوت و معاد، اساساً دین اسلام و مذهب تشیع را منسوخ دانسته است. [۴۵] این عقاید و بسیاری از احکام این فرقه ضاله در آثار محمدعلی باب و بهاء‌الله منعکس است. [۴۶] در آثار آنان علاوه بر آنکه عدم تسلط نویسندگان به ادب و زبان نگارش و تناقضهای ظاهری و مفهومی متعدد هویدا است، «نفی جمیع علوم» نیز مورد تأکید خاص قرار دارد. در بیان عربی این معنا به وضوح مشاهده می‌شود: «فلتمحون کل ما کتبتم و لتستدلن بالبیان» یعنی آنچه که تاکنون نوشته‌اید نابود کنید و حتماً به کتاب بیان استدلال نمایید. [۴۷] و یا «لا- یجوز التدریس فی کتب غیر البیان... و ان ما اخترع من المنطق و الاصول و غیرهما لم یؤذن لاحد من المؤمنین» یعنی تدریس هر کتابی غیر از بیان روا نیست و آنچه که به نام منطق و اصول و غیر آن اختراع شده برای احدی از مؤمنان اذن داده نشده است. [۴۸]. ابوالفضل گلپایگانی، از نویسندگان بهایی، به خواست شخصی به نام سمندر، نامه‌ای نگاشته، ضمن آن پیرامون مسئله معاد و رجعت ارواح و غیره نظریاتی مطابق با مبانی بهاییان ارائه نموده است. وی ضمناً اشاره می‌کند که وقتی در این زمینه از حکیم و فلیسوف شیعی معاصرش، ابوالحسن جلوه، سئوالاتی نمود، پاسخ وی را موافق با مسلک خود نیافته، آن را مورد نقد و نقض قرار داده است. حین مرور این نامه هجده صفحه‌ای، علاوه بر نوع بسمل به کار رفته در ابتدای آن [۴۹] که گویای مرام نگارنده آن است در متن نیز - که هم می‌توان آن را بازتابی از انشاء عصر ناصری دانست و هم بازتابی از قلم فرسایهای طولانی و بی‌اساس و پایه رهبران بهائیت - استنادات متعددی به کتب بیان و سایر کتابهای بهاییان به چشم می‌خورد. به هر حال این مکتوبه را می‌توان بازتاب مستند و جالب توجهی از نگاه فرقه بهائیت به دین اسلام و نیز مشرب عقلی حکمای اسلامی به شمار آورد. گلپایگانی در ابتدای نامه‌اش ضمن تواضع فراوان نسبت به سمندر، که از نفوذ اجتماعی فراوانی برخوردار بوده، نسبت به مسئله معاد توجهی ویژه داشته است، دیدارشان در تهران [۵۰] را یادآور می‌شود که چگونه وی را مشتاق تجدید دیدار نموده است. سپس در پاسخ به پیغام سمندر که جویای نظر او در مورد مسئله معاد بود، با وام‌گیری از آیات قرآن و جملات ایقان و بیان و غیره به توصیف مواضع خویش در این زمینه می‌پردازد. گلپایگانی بیان می‌دارد که برای رسیدن به توحید حقیقی کتاب ایقان را سه بار نوشته و پنجاه بار خوانده است و اساسی فضل - بویژه در زمینه معاد - را مستور در الواح بهاییان یافته است. [۵۱] بر همان اساس وی دلیل تقعید کلام انبیاء پیشین در باب معاد را پیروی مردم از هوای نفس و ظن و وهم دانسته است و اکنون وی از اینکه آفتاب حقیقت در «الواح مقدسه» به روشنی طلوع کرده است و رفع شبهه از طلاب می‌نماید، احساس سرور می‌کند. [۵۲] سپس گلپایگانی به تعریف روح [صفحه ۲۸۰] و دلیل احتیاج روح به آلتی به نام بدن در صدور افعال می‌پردازد و تفاوت ابدان را نیز به علت تفاوت ارواح عنوان می‌کند. وی در زمینه معاد با وام‌گیری از قرآن و انجیل و

دساتیر زردتشتیان، سعی در اثبات نشئه اولی داشته، افاضاتی در باب بهشت و جهنم و ظاهر و باطن بر آن می‌افزاید و نتیجه می‌گیرد که کیفیت معاد در کتب مقدسه معلوم می‌باشد ولی از دست جهال دور است زیرا جهالی که نام خود را عالم و حکیم گذرانده‌اند، تناسخ را مرهوم می‌دانند و در نزاع و جدل بر سر الفاظ پای می‌فشرند. [۵۳]. سپس وی بیان می‌کند در بهار سال گذشته که برای تفرج به خیابانهای دولتی رفته بود، در میان مردمی که دسته دسته در حال تفرج بودند به سید الحکماء میرزا ابوالحسن مشهور به جلوه برخورد نموده از وی خواسته است تا به سئوالی در باب فرق میان حشر و تناسخ پاسخ گوید. [۵۴] مرحوم جلوه نیز در پاسخ سئوال گلپایگانی، حشر و تناسخ را تعریف و ابطال تناسخ را با براهینی بیان نموده است. [۵۵] ولی گلپایگانی که به زعم خود در میان کلمات پیامبران استنادی برای براهین جلوه نمی‌بیند، پاسخ حکیم را کافی نمی‌داند [۵۶] و اصرار دارد که به جای اتکا به قول متکلمین و حکما و اشراقیان باید به کلمات انبیا (!) و قرآن توجه داشت (باید توجه داشت که استنادات بهایان به قرآن براساس تأویل و عوام‌فریبی و به دور از هرگونه آشنایی با مفاهیم ابتدایی تفسیر و فهم آیات قرآن بوده است). به هر حال این شخص در نهایت با احساس پیروزی اعلام می‌کند که ابوالحسن جلوه در مقابل او پاسخی نیافته، از ادامه صحبت هم منصرف شده است. از این رو همواره ارباب علوم ظاهره در حال القای کلمات و الفاظ به مردم و بازداشتن آنها از «حقیقت» اند چرا که اساسا کار حکما، ایجاد «تفرقه» است و اصلا حشر چه و تناسخ کدام است و مقصود اصلی همان است که یک روح به جنت و یا نار فرود بیاید. لذا برای صعود به عوالم قدس روحانی باید صرفا به کتاب اقدس و سایر کتب بهایان توجه بلیغ نمود. [۵۷]. نکته قابل توجه در پایان نامه وی اینکه وی این دوره قیامت و زمان مؤاخذة همگان در باب اعمالشان دانسته و بیان می‌دارد که اساسا هر کلامی غیر از کلام بهایان «شبهه» ای است از جانب ارباب کفر و نفاق. [۵۸] البته بعید نیست که مقصودش از ارباب کفر و نفاق، حکیم جلوه باشد که ما وی را از حکمای اربعه و از پایه‌گذاران و استادان بلندپایه مکتب فلسفی و عرفانی تهران می‌دانیم. گفتنی است که عموما استنادات به قلم به دستان این فرقه به وضوع عاری از مبانی ساده عقلی و علوم ضروری برای تمیز صواب از خطاست؛ در حالی که حتی نمی‌توان نگرش اسلامی آنان را برخاسته از متونی تحریف نشده دانست. در مقابل، مآخذ حکمت و فلسفه اسلامی نه صرفا [صفحه ۲۸۱] اقوال متکلمینی چند، بلکه در واقع برخاسته از وحی الهی و گفتار نبوی و روایات و تعالیم ائمه شیعه است. با مروری بر آثار حکیمان شیعه این معنا را به سهولت می‌توان دریافت که اساس فلسفه و سرچشمه الهام حکما مبتنی بر وحی آسمانی بوده، با کفر و نفاق که پیروان این فرقه ضاله خود در آن غوطه‌ورند، فرسنگها فاصله دارد. منابع اصیل و غنی و بویژه منابع شیعی در پیدایش و استمرار فلسفه اسلامی در ایران حایز اهمیت است. این کلام نبوی است که «یا علی چون مردم اندر کثرت عبادت رنج می‌برند تو اندر ادراک معقول رنج بر، تا بر همه سبقت گیری.» امروز استدلالات موهوم و عوام‌پسند بهایان با آب و رنگ جدیدی مطرح می‌شود؛ همان طور که این فرقه از بدو پیدایش ابزار مناسبی در دست دولتهای استعمارگر محسوب می‌شد، در قرن اخیر نیز استعمار جدید برای زدودن اصالت مذهب و به انزوا کشیدن عموم ادیان حقیقی الهی، حامی مسلکهای جدیدی چون بهائیت در ایران و وهابیت در عربستان بوده، شعارهایی نظیر دفاع از حقوق بشر و توجه به اقلیتهای مذهبی تنها بهانه‌هایی در این راستاست. [۵۹]. این اسناد تأییدی است برای حساسیتی که امروزه مسلمانان روشن بین بویژه متفکران و اندیشمندان جهان اسلام نسبت به سوابق اقدامات سلطه‌جویانه استعمار نشان می‌دهند؛ اقداماتی نظیر تبلیغات مسیحیان صهیونیست [۶۰] در جهت محدود کردن جوامع اسلامی در زمینه علوم هسته‌ای و در برابر، ترغیب مسیحیان و یهودیان به پذیرش بازگشت مسیح (ع) پس از وقوع جنگ جهانی هسته‌ای که طی آن تمامی کافران به ادیان تحریف شده مسیحیت و یهودیت نابود خواهند شد و پس از آن ملکوت الهی فراخواهد رسید؛ «اقدامی چون همیشه استعماری و در قالبی فرهنگی و مذهبی.»

- [۱] مدرسه مروی در شمار نخستین مراکز علمی قرن سیزده و چهارده ایران بود که «خان مروی» برای تدریس حکمت در پایتخت جدید ایران آن را تأسیس کرد.
- [۲] آخوند ملا- علی نوری فیلسوف، فقیه و حکیم، ادیب و شاعر از متشرعین فلاسفه که در مازندران و قزوین مقدمات علوم را آموخت. سپس به اصفهان رفت و نزد میرزا ابوالقاسم مدرس و آقا محمد بیدآبادی و... تلمذ نمود. او با علمای بزرگی چون میرزای قمی و حاجی کلباسی دوستی داشت. پس از آنکه شاه قاجار به خواست محمدحسین خان مروی از وی برای تدریس در مدرسه مروی دعوت نمود، آخوند ملا علی نوری در پاسخ نوشت که در حوزه اصفهان متجاوز از چهارصد طلبه را سرپرستی می‌کند که شایسته حضور در درس او هستند و چنانچه به تهران بیاید موجب پریشانی آن همه طلاب علم خواهد شد.
- [۳] وی در زونوز تبریز متولد شد. در خردسالی از زونوز به خوی رفت و به تحصیل علوم عربی و ادبی مشغول شد. در کربلا نزد سید علی طباطبایی و در قم نزد میرزا ابوالقاسم قمی به فراگیری اصول و فقه پرداخت. وی سپس به حوزه علمی اصفهان و محضر پرفیض آخوند نوری شتافت و در کنار ادامه تحصیل فقه و اصول نزد دیگر استادان به نام به تحصیل علوم حکمیه اهتمام تام نمود و از شاگردان خاص وی گردید. مهم‌ترین اثر وی «انوار جلیه» نام دارد. وی را می‌توان پایه‌گذار مکتب فلسفی تهران دانست که تا پایان عمر نیز بدین مهم همت گمارد.
- [۴] نصر، سید حسین، روزنامه ایران، ۲۳ / ۳ / ۱۳۸۴.
- [۵] قاسمی پویا، اقبال، مدارس جدید در دوره قاجاریه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، ص ۳۴.
- [۶] روزنامه ایران، ۲۳ / ۳ / ۱۳۸۴.
- [۷] مشهور به صهبا و استاد مسلم مکتب ملاصدرا و برجسته‌ترین استاد عرفان مکتب ابن عربی. متولد ۱۲۴۱ ق در قمشه است که برای تحصیل حکمت به اصفهان رفت و از محضر ملا محمدجعفر لاهیجی و میرزا حسین نوری بهره برد. مهم‌ترین استاد وی سید رضی لاریجانی بود. وی در پی مهاجرت بعضی علما به تهران و برخی نارضایتها رهسپار تهران شد و تا زمان مرگش در ۱۳۰۶ خصوصاً در عرفان صدها شاگرد تربیت نمود.
- [۸] وی فرزند ملا عبدالله زونوزی و مشهور به حکیم مؤسس می‌باشد. تحصیل فلسفه و عرفان را در اصفهان آغاز نمود ولی سرانجام در تهران ساکن شد. بسیاری از فیلسوفان مکتب تهران از شاگردان او بودند. نکته مهم در مورد وی، تألیف کتب متعددی است که در میان آنها بدایع الحکم به عنوان اولین اثر فارسی و تطبیقی سنت فلسفه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. وی از شاخص‌ترین چهره‌های مکتب صدرایی است که دیدگاههای جدیدی را در قالب این مکتب ارائه نمود و به نوعی باب مواجهه با فلسفه غربی را درون مکتب سنتی فلسفه اسلامی گشود.
- [۹] وی شاگرد حاج ملاهادی سبزواری است که بعدها به تهران سفر کرد. مهم‌ترین دلیل شهرتش تبحر در ریاضیات است که در قرن سیزده همچنان در کنار فلسفه تدریس می‌شد (البته این سنت تا زمان علامه شعرانی نیز ادامه یافت).]
- [۱۰] صدوقی سها، منوچهر، تاریخ حکما و عرفا، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۲، صص ۶۳ و ۶۴.
- [۱۱] روزنامه ایران، ۲۴ / ۳ / ۸۴، نیز ر.ک: طارمی، عباس، «آشنایی با حوزه فلسفی - عرفانی تهران»، خردنامه صدرا، ۱۳۸۱، شم ۱۶.
- [۱۲] برونی، علی، «تاریخچه پیدایش بابیت و بهائیت»، نشریه حوزه اصفهان، ۱۳۷۹، شم ۱ و ۲.
- [۱۳] همان.
- [۱۴] ابراهیمی دینانی، غلامحسین، معاد از دیدگاه حکیم مدرس زونوزی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۲، صص ۱۶ و ۱۷.
- [۱۵] شاگرد شیخ بهایی و استاد علامه مجلسی و از حکما و متکلمان به نام عصر صفوی.

- [۱۶] زواره‌ای، گلشن جلوه، ص ۲۲۶.
- [۱۷] همان.
- [۱۸] بنای این مدرسه در پایان سلطنت شاه سلیمان صفوی توسط حکیم الملک اردستانی به اتمام رسید.
- [۱۹] جلوه، ابوالحسن، رساله فی بیان استجابات الدعاء، قم، مؤسسه امام هادی (ع)، ص ۱۱.
- [۲۰] سهیلی خوانساری، احمد، دیوان اشعار حکیم جلوه، ص ۶.
- [۲۱] وی فرزند آخوند ملا-علی نوری است و از اکابر و علما و حکما و فلاسفه در میان شاگردان آخوند به شمار می‌آید. او حاشیه‌هایی بر برخی از کتب حکمت و معقول زده است.
- [۲۲] شارح مشاعر.
- [۲۳] معروف به مولانا، مدرس حکمت متعالیه در اصفهان و شاگرد آخوند نوری که پس از استاد، تدریس معقول را عهده‌دار شد.
- [۲۴] از علما و مدرسین بزرگ حکمت در اصفهان و از شاگردان ملا علی نوری.
- [۲۵] مدرس بزرگ حکمت متعالیه و عرفان نظری در اصفهان و تهران. مرتبه او در تسلط بر افکار محی‌الدین در مرتبه‌ای پس از شارحان ابن عربی دانسته شده است. آغاز حوزه عرفانی تهران نیز پس از آمدن وی به تهران بوده است.
- [۲۶] مدرسه دارالشفا از آثار فتحعلیشاه است که جهت بیمارستان ساخته شد و پس از وفات وی به صورت مدرسه درآمد. کتابخانه این مدرسه توسط حکیم جلوه ترتیب داده شده است.
- [۲۷] رساله فی بیان استجابات الدعاء، ص ۱۱.
- [۲۸] دیوان اشعار جلوه، ص ۷.
- [۲۹] افضل الملک، غلامحسین خان، افضل التواریخ، ص ۱۰۶.
- [۳۰] همان.
- [۳۱] دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، صص ۱۱۲ و ۱۷۵.
- [۳۲] گلشن جلوه، ص ۲۲۷.
- [۳۳] همان، ص ۲۲۸.
- [۳۴] تاریخ حکما و عرفا، صص ۴۶۷ تا ۴۸۴.
- [۳۵] مدفون به ابن بابویه.
- [۳۶] نشریه حوزه اصفهان، شم ۱ و ۲.
- [۳۷] افراسیابی، بهرام، تاریخ جامع بهائیت، صص ۳۱۷ تا ۳۲۳.
- [۳۸] همان، ص ۳۲۷.
- [۳۹] عکا.
- [۴۰] نشریه حوزه اصفهان، شم ۱ و ۲.
- [۴۱] رضائزاد، عزت‌الله، «از بابی گری تا بهایی گری»، نشریه انتظار، شم ۱۰.
- [۴۲] رائین، اسماعیل، انشعاب در بهائیت، ص ۱۴۸.
- [۴۳] نشریه انتظار، شم ۱۰.
- [۴۴] همان.
- [۴۵] زاهد زاهدانی، سعید، بهائیت در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۱۰۹ و ۱۰۲.

[۴۶] از آثار محمدعلی باب می‌توان به احسن القصص صحیفه عدلیه، الواح، بیان عربی و بیان فارسی و از آثار بهاءالله به ایقان، بدیع، مبین، اقدس و الواح اشاره نمود.

[۴۷] بیان عربی، باب ۶.

[۴۸] همان، باب ۱۰.

[۴۹] سند شم ۱.

[۵۰] سند شم ۱ و ۲.

[۵۱] سند شم ۶.

[۵۲] سند شم ۷.

[۵۳] سند شم ۵.

[۵۴] سند شم ۳.

[۵۵] سند شم ۳.

[۵۶] سند شم ۳.

[۵۷] سند شم ۵.

[۵۸] سند شم ۷.

[۵۹] نشریه انتظار، شم ۱۰.

[۶۰] Christian Zionists

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲-۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

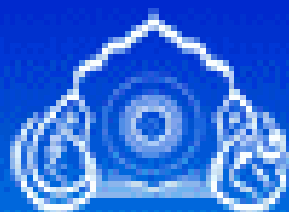
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

